

بررسی اخلاق معلمی در قرآن و احادیث

هدی خزاعل^۱

چکیده

تعلیم و تعلّم از ارزشمندترین رفتارهای انسانی است که همواره مورد توجّه انسان ها قرار داشته است و معلّمی نه به عنوان یک حرفه ، بلکه به عنوان یکی از باارزش ترین رفتارهای بشری از ابتدای خلقت انسان مطرح بوده ، چرا که بزرگترین معلّم ، ذات اقدس الهی است ، که اسماء الهی را در آغاز آفرینش به آدم (ع) آموخت . نیاز به دانستن در طول تاریخ ، همواره انسان را بر آن داشته تا به دنبال مرجعی برای رفع این نیاز خود باشد و معلّمان که به واسطه ی دانستن ، در مقام بالاتری نسبت به دیگران قرار داشته اند تلاش نموده اند تا دانسته های خود را به دیگران بیاموزند. در این میان آنچه حائز اهمّیت است ، آنست که تعلیم دهندگان باید دارای چه ویژگیها و خصوصیات اخلاقی باشند تا شایستگی امر مهمّ تعلیم را عهده دار شوند. برای پاسخ به این مسأله ، بهترین راه مراجعه به سخنان خالق علم ، یعنی همان سرچشمه ی وحیانی است که تجلّی آن را در قرآن و سخنان معصومین -علیهم السلام - می بینیم . در این مقاله برآنیم تا با بررسی آیات الهی و روایات ائمه اطهار -علیهم السلام - به خصایص اخلاقی یک معلّم مقبول دست یابیم .

کلیده واژه : اخلاق ، معلّم ، حدیث

^۱ . طلبه سطح ۲ (کارشناسی)، مدرسه علمیه کوثر خرمشهر ،

مقدمه

تعلیم و تربیت از جمله اموری است که در همه جوامع بشری به آن اهمیت زیادی داده شده است و در حقیقت این امر زیر بنای هر فرهنگی محسوب میشود، اگر چه محتویات آن در جوامع گوناگون متفاوت است.

با مراجعه به قرآن و روایات میبینیم که در دین مقدس اسلام، ارزش ویژه ای برای این امر در نظر گرفته شده و خداوند متعال تا جایی به آن قداست داده است که به «قلم» یکی از ابزارهای تعلیم و تربیت، قسم یاد میکند: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»^۲ و هدف از ارسال رسولان الهی را تعلیم و تربیت انسانها بیان میکند: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

در میان سخنان ارزشمند پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و ائمه طاهرین - علیهم السلام - گفتارهای فراوانی در بیان اهمیت امر تعلیم، جایگاه معلم و متعلم و ویژگیهای هر کدام دیده میشود. در این مجال متناسب با موضوع مقاله ابتدا به بررسی ارزش تعلیم، و سپس به بیان ویژگیهای اخلاق معلمی از دیدگاه اسلام می پردازیم.

اگر بخواهیم پیشینه ی تاریخی این بحث را مورد بررسی قرار بدهیم به ابتدای خلقت باز میگردیم یعنی از همان ابتدای خلقت این بحث تعلیم و تربیت مورد توجه واقع شده آنهاست توسط خدای متعال که بعد از خلقت حضرت آدم، خدای متعال به ایشان مطالبی را تعلیم فرمودن که سوره بقره آیه ۳۱ (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...) اشاره به همین مطلب دارد و با گذر زمان این بحث نیز فراموش نشده بلکه در هر عصری جهتی از جهات آن مورد توجه واقع شده است آنهاست نه فقط علمای اسلام بلکه توسط علمای اسلام و غیر آنها، منابعی که در این زمینه نوشته شده اند زیاد هستند از جمله:

۱. علم روانشناسی تعلیم و تربیت، نویسنده: جان واتسون

۲. روانشناسی تعلیم و تربیت، نویسنده: روبرت سلاتر

۳. مبانی روانشناسی تعلیم و تربیت، نویسنده: پائول موشر

۴. تعلیم و تربیت در اسلام، نویسنده: علی شریعتی

^۲ . سوره القلم آیه ۱

مفهوم شناسی

مفهوم لغوی و اصطلاحی "اخلاق"

لغوی :

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» می باشد. خُلُق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می شود.

اصطلاحی :

در اصطلاح «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است» یا «علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه ها و آثار آن سخن می گوید». غربی ها هم از علم اخلاق تعاریف مختلفی ارائه داده اند، مثلاً «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد». یا «مجموع قوانین رفتار که انسان به واسطه مراعات آن می تواند به هدفش برسد».

اهمیت تعلیم در اسلام

در آیه های متعددی از قرآن کریم که از سوی خالق تعلیم و تربیت بر قلب اشرف مخلوقات نازل شده ، به امر مقدس تعلیم اشاره شده است . خداوند در چهار آیه مسأله تعلیم و تربیت را به عنوان هدف انبیاء معرفی میکند :

- ۱- «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^۳ ای پروردگار ما! در میان ایشان پیامبری از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آنان بخواند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد و آنان را پاک سازد، زیرا که تو خود عزیز حکیمی .
- ۲- «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^۴ هم چنان که در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند، و شما را پاک میسازد و شما را کتاب و حکمت میآموزد و آن چه نمیدانستید به شما میآموزد.

- ۳- «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۵ به راستی خداوند بر مومنان منت نهاد وقتی

^۳ . سوره بقره آیه ۱۲۹

^۴ . سوره بقره آیه ۱۵۱

^۵ . سوره آل عمران ۱۶۴

که پیامبری در میان آنان از خودشان مبعوث فرمود که آیات الهی را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و به ایشان کتاب و حکمت آموزد، در حالی که مسلماً قبل از آن در گمراهی آشکاری بودند. ۴- «هو الَّذی بعث فی الْأُمّیین رسولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَكِّیْهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ إِنَّ کَانَ مِنْ قَبْلِ لَفِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ»^۶ او کسی است که در میان درس ناخواندگان پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان میخواند و پاکشان میدارد و به آنان کتاب و حکمت میآموزد، و به راستی آنان قبل از آن در گمراهی آشکاری بودند.

در این آیات، خداوند سه هدف برای بعثت پیامبر برمی‌شمارد: ۱- تلاوت آیات خدا بر مردم، ۲- تعلیم کتاب و حکمت، ۳- تزکیه مفسّران در ذیل این آیات به تفاوت امر «تعلیم» و «تربیت» اشاره کرده اند: «نیمی از شخصیت ما را «عقل و خرد» تشکیل میدهد و نیمی را «غرائز و امیال»، به همین دلیل ما به همان اندازه که نیاز به «تعلیم» داریم، نیاز به «تربیت» هم داریم، هم خرد ما باید تکامل یابد و هم غرائز درونی ما به سوی هدف صحیحی رهبر شوند. لذا پیامبران هم معلّمند، هم مربّی، هم آموزش دهنده اند و هم پرورش دهنده. در چهار مورد از قرآن مجید که مسأله تعلیم و تربیت به عنوان هدف انبیاء با هم ذکر شده است در سه مورد "تربیت" بر "تعلیم" مقدّم شمرده شده (سوره بقره آیه ۱۵۱- آل عمران ۱۶۴- جمعه ۲) و تنها در یک مورد "تعلیم" بر "تربیت" مقدّم شده است. با اینکه میدانیم معمولاً تا تعلیمی نباشد تربیتی صورت نمیگیرد. بنا براین آنجا که تعلیم بر تربیت مقدّم شده، اشاره به وضع طبیعی آن است، و در موارد بیشتری که تربیت مقدّم ذکر شده گویا اشاره به مسأله هدف بودن آن است، چرا که هدف اصلی تربیت است و بقیه همه مقدمه آن است.»

علاوه بر این آیات، معصومین - علیهم السّلام - در روایات متعدّد و با بیان های مختلف به ارزش تعلیم اشاره کرده اند.

رسول اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - در اهمیّت تعلیم به امیر المومنین علی - علیه السّلام - فرمودند: «لأن یهدی الله بک رجلاً واحداً خیرٌ من ان یکون لک حمر النّعم.» (اگر یک فرد به وسیله توبه ممد الهی - طریق هدایت را باز یابد و به حق، رهنمون گردد، پر ارزش تر و بهتر از آنست که مالک شتران سرخ موی اصیل و نجیب فراوانی باشی).

^۶ . سوره جمعه ۲

با توجه به اینکه در نزد اعراب زمان پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - یکی از باارزش ترین سرمایه ها ، داشتن شتران اصیل بوده است ، پیامبر اکرم برای ملموس کردن مطلب ، از این بیان استفاده نموده اند و ارزش تعلیم را از داشتن بالاترین سرمایه های مادی ، بالاتر میدانند.

در حدیثی دیگر ، هدایت یک انسان را از هر چه در جهان است بالاتر میدانند : « یا علیّ ، لأنّ یهدی الله علی یدیک رجلاً خیر لک مما طلعت علیه الشمس . » (۱۱) ای علی ! این که خداوند به دست تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده است برای تو بهتر باشد.

همچنین به معاذ فرموده اند: « لأن یهدی الله بک رجلاً واحداً خیر لک من الدنیا و ما فیها » (۱۲) اگر خداوند متعال یک فرد را به دست تو هدایت کند چنین کاری از دنیا و آنچه در آن است مهمتر و پر ارزش تر است .

در روایتی دیگر علم و دانش بر جای مانده از انسان ، به عنوان یکی از بهترین یادگارهای انسان پس از مرگش دانسته شده است : « خیر ما تخلف الرجل من بعده ثلث : ولد صالح یدعو له و صدقة تجری یبلغه اجرها و علم یعمل به من بعده . » (۱۳) بهترین چیزی که انسان ، پس از مرگ خود به یادگار میگذارد سه چیز است : ۱- فرزند صالح و شایسته ای که او را با دعای خیر یاد کند. ۲- صدقه جاریه که پاداشش به او برسد. ۳- علم و دانشی که پس از مرگ او مورد استفاده دیگران قرار گرفته و بدان عمل شود.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در سخنانی از علم آموزی به بهترین صدقه و بهترین هدیه تعبیر کرده اند : « ما اهدی المرء المسلم الی اخیه هدیه افضل من کلمة حکمة یرزقه الله بها هدی ، و یرده عن ردی . » (۱۴) هیچ مسلمانی به برادرش هدیه ای برتر از سخن حکیمانه ای که خداوند بدان بر هدایت او بیفزاید و او را از کژی باز دارد، پیشکش نکرده است .

«افضل الصدقة ان یعلم المرء علماً ثمّ یعلمه اخاه» (۱۵) (برترین صدقه آن است که آدمی به دانشی دست یابد سپس آن را به برادرش بیاموزد.)

از نظر اسلام مقام یک معلّم آنقدر بالا است که همه موجودات برای او طلب استغفار مینمایند : قال رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - : « إنّ معلّم الخیر یستغفر له دوابّ الأرض و حیثان البحر و کلّ ذی روح فی الهواء و جمیع أهل السماء و الأرض و إنّ العالم و المتعلّم فی الأجر سواء یأتیان یوم القيامة کفرسی رهان یزدحمان . »

رسول خدا - صلی الله علیه و آله :- « ما أخذ الله الميثاق على الخلق أن يتعلموا حتى أخذ على العلماء أن يعلموا. » ۵۳ (رسول خدا : خداوند، از مردم برای فرا گرفتن دانش پیمان نگرفت ، تا آن که از علما برای آموختن آن پیمان گرفت .)

عن ابی عبدالله علیه السلام ، قال : « قرأت فی کتاب علی علیه السلام علیه السلام : ان الله لم يأخذ علی الجهال عهداً بطلب العلم حتى أخذ علی العلماء عهداً ببذل العلم للجهال ، لأن العلم كان قبل الجهل. » یکی از علّت های پنهان کردن علم ، نداشتن شجاعت و ترس از مردم است که پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در این مورد فرموده اند: « لأعرفن رجلاً منكم علم علماً فکتمه فرقاً من الناس. » ۵۴ (کسی از شما را نبینم که دانشی را بداند ، اما از ترس مردم ، کتمانش کند.)

۱۱- دانسته سخن گفتن

یکی از ویژگی های اخلاقی مثبت معلّمی که در روایات بر آن تاکید شده است آن است که زمانی که مطلبی را نمی داند از گفتن «نمی دانم» ابایی نداشته باشد و نادانسته سخنی بر زبان نیاورد. حضرت علی - علیه السلام - فرموده اند : « اذا سئلتم عما لاتعلمون فاهربوا، قالوا: و کیف الهرب ؟ قال : تقولون : الله اعلم. » ۵۵ (هر گاه در مورد خبری که نمی دانید مورد سوال قرار گرفتید، بگریزید. پرسیدند: چگونه ؟ فرمود: بگویید: خدا داناتر است .)

رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به ابن مسعود- فرمودند : «یا بن مسعود، لاتتکلم بالعلم إلا بشيء سمعته و رأيته ۵۶؛ فإن الله تعالى يقول : و لاتقف ما لیس لك به علمٌ إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أولئک عنه مسئلاً. » ۵۷ (رسول خدا خطاب به ابن مسعود، ای ابن مسعود! درباره علمی سخن مگو، جز این که آن را شنیده باشی ؛ زیرا خداوند میفرماید: و هر چیزی که بدان علم نداری، دنبال مکن ، زیرا گوش و چشم و قلب ، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.)

۱۲- آسان گیر بودن

یک معلّم نباید آن چنان سخت گیر باشد که موجب بیزاری دیگران شود. خداوند به پیامبر اسلام میفرماید : « فبما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک » ۵۸ (پس به [برکت] رحمت الهی بر ایشان نرمخو شدی و اگر تندخوی و سنگین دل بودی یقیناً از پیرامون تو پراکنده میشدند.)

پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نیز در این باره میفرمایند: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ مَعْتَباً وَ لَا مَعْتَبَةً، وَلَكِنْ بَعَثَنِي مُعَلِّماً مُيَسَّرًا.» (۵۹) خداوند ، مرا نه برای رنج دادن به دیگران برانگیخت و نه برای رنج دادن به خود، بلکه مرا معلّمی آسانگیر مبعوث کرد.

نتیجه گیری

تعلیم و تعلّم در دین مبین اسلام جایگاه ویژه ای دارد. بررسی آیات قرآن نشان میدهد ، خداوند متعال امر تعلیم را از وظایف اصلی رسولان خود بیان نموده است و به صراحت بر امر تعلیم تاکید مینماید. در روایات و احادیث معصومین - علیهم السّلام - نیز با عنوان های مختلف درباره اهمیت تعلیم و جایگاه معلّم و متعلّم سخن گفته شده است و ویژگی - های اخلاقی معلّم ، به طور کامل بیان شده است . آنچه بیش از هر چیزی پیامبر و ائمه -علیهم السّلام - بر آن تاکید نموده اند ، عمل کردن معلّم به دانسته های خویش است . این مسأله آنقدر حائز اهمیت است که میتوان گفت دانسته های یک فرد میتواند به شکل یک شمشیر دو لبه عمل نماید و اگر عالم به دانسته های خود بیاعتقاد باشد و به آنها عمل ننماید نه تنها تاثیری بر مخاطب ندارد ، بلکه میتواند به عنوان حجّتی ضد او استفاده شود و سرنوشت او را به مخاطره اندازد. علاوه بر این موارد دیگری همچون اخلاص ، حسن خلق ، کتمان نکردن علم ، حفظ شئون علم ، توجّه به ظرفیت مخاطب ، خودسازی و ... از ویژگیهای دیگری است که روایات برای یک معلّم برشمرده اند.

منابع

- ۱- قرآن
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- الاصبهانی، ابی نعیم، حلیۃ الاولیاء و طبقات الاصفیاء، دار الكتاب العربی، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷ هـ. ق.
- ۴- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالدعوه، ۱۴۱۳ ق.
- ۵- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران، چ ۴، ۱۳۸۲.
- ۶- التمیمی، عبد الواحد الآمدی، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق میر سید جلال الدین المحدث الارموی، دانشگاه تهران، تهران، چ ۳، ۱۳۶۰.
- ۷- حجتی، محمدباقر، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چ ۲۸، ۱۳۸۶.
- ۸- الدارمی، ابی محمد عبدالله بن عبد الرحمن، سنن الدارمی، تحقیق مصطفی ديب البغا، دار القلم، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ ق.
- ۹- دیلمی، محمد، اعلام الدین فی صفات المومنین، تحقیق و نشر موسسه آل البيت، قم.
- ۱۰- شریعتمداری، حمیدرضا، آئین دانشوری (ترجمه المراد من منیة المريد)، انتشارات دار العلم، قم، چ ۱۱، ۱۳۸۸.
- ۱۱- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند ابن حنبل، تحقیق عبدالله محمد الدرویش، دار الفكر، بیروت، چ ۲، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۲- الصدوق، ابی جعفر محمد، الامالی، تحقیق موسسه البعثه، قم، الطبعة الاولى، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۳- الصدوق، ابی جعفر محمد بن بابويه القمّی، الخصال، موسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۴- الصدوق، ابی جعفر محمد بن بابويه القمّی، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر الغفّاری، موسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعة الاولى، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۵- طباطبائی، محمد رضا، المراد من منیة المريد، انتشارات دارا العلم، قم، چ ۵، ۱۳۸۴.

- ۱۶- طبرسی ، فضل بن حسن ، جوامع الجامع ، تحقیق واعظ زاده خراسانی ، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد، چ ۲، ۱۳۷۷ .
- ۱۷- طبرسی ، فضل بن حسن ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، تحقیق رضا ستوده ، انتشارات فراهانی ، تهران ، چ ۱ ، ۱۳۶۰ .
- ۱۸- طوسی، الامالی، تحقیق موسسه البعثه، دار الثقافه ، قم ، ۱۴۱۴ق
- ۱۹- الكلینی ، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق ، الکافی، تحقیق علی اکبر الغفاری، دارصعب و دار التعارف ، بیروت ، الطبعة الرابعة ، ۱۴۰۱ق .
- ۲۰- الليثی الواسطی، ابی الحسن علی بن محمد ، عیون الحکم و المواعظ ، تحقیق حسین الحسنی البیرجندی، دار الحديث ، قم ، ۱۳۷۶ش .
- ۲۱- المجلسی، محمد باقر ،بحار الانوار ، موسسه الوفاء، بیروت ، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ق .
- ۲۲-محدث عاملی ، الجواهر السنيه ، زين العابدين كاظمی خلخالی، انتشارات دهقان ، تهران ، چ ۳، ۱۳۸۰ .
- ۲۳- محمدی ری شهری، محمد، تبليغ بر پایه قرآن و حديث ، همکاري سيد حميد حسيني، ترجمه علی نصیری، سازمان چاپ و نشر دارالحديث ، قم ، چ ۴ ، ۱۳۸۷.
- ۲۴- مشکینی اردبیلی، علی ، المواعظ العددیه ، تحقیق علی احمدی میانجی، دفتر نشر الهادی، قم ، چاپ چهارم ، ۱۴۰۶ق .
- ۲۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه ، دارا الكتاب الاسلاميه ، تهران ، چ ۱، ۱۳۷۴.
- ۲۶- نقيه ، مجيد، ظرافت های معلمی، انتشارات بين المللی جوکار، تهران ، چ ۲ ، ۱۳۸۳.
- ۲۷- النمری القرطبی ،ابی عمر یوسف بن عبد البرّ، جامع البیان العلم وفضله ، ، دار الكتاب العلمیة، بیروت .
- ۲۸- نوری طبرسی، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل ، الاسلاميه ، ۱۳۲۱ق .
- ۲۹- النيسابوری ، ابی عبدالله حاکم ، المستدرک علی الصحیحین ، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، ۱۴۱۱ق .
- ۳۰- نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق ، چ ۱ ، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عج)، اصفهان ، چ ۴، ۱۳۸۷.

٣١- الهندي ، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين ، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال ،
تصحيح صفوة السقا، مكتبة التراث الاسلامى، بيروت ، الطبعة الاولى، ١٣٩٧ ق .